ایران ورزشی

روزنامه ورزشی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی ■ تلفن: ۱۴ ـ ۸۸۵۰۴۱۱۳ ■ نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳ ■
سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ـ ۸۸۵۰۱۳۰۰ ـ۸۸۷۴۶۵۸۳ ■ انتشارات: ۵ و ۸۸۵۴۸۸۹۲ ■ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ ـ ۸۸۵۲۱۹۵۴ ■
نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ / صندوق پستی ۵۳۸۸-۵۸۷۵ ■ چاپ: ایرانیان

@iranvarzeshii پنجشنبه ۱۹ خرداد ۱۴۰۱ - شماره ۷۰۵۲

نظر خود را به این شماره پیامک کنید 13 12 45 3000

WWW.INN.IR
info@inn.ir

پرونده

سوژه روز

پرواز قو به جایگاه اصلی

آیسان سعیدی - دوری آنها از لیگ برتر نه برای طرفداران پرشورشان بلکه برای کل لیگ و فوتبال ایران یک ضایعه بزرگ بود. تیمی که بیش از نیم قرن در فوتبال ایران قدمت دارد و سایه بال‌های زیبایش بر فوتبال ایران گشوده شده، شناسنامه فوتبال ایران محسوب می‌شود که به نوعی نماد فوتبال شمال است. سرزمینی حاصلخیز که همپای برنج معرکه و چای خوش طعم و زیتون شفابخشش، فوتبالیست تولید کرده. ابرستاره‌هایی که تلألوی درخشش آنها در فوتبال ایران هرگز فراموش شدنی نیست. تیمی با این مختصات و این جایگاه جای به‌شدت خالی در لیگ برتر ایران داشت. تیمی که به حضور همیشگی‌اش در بالاترین سطح فوتبال ایران عادت کرده بودیم اما سوءمدیریت و بی‌کفایتی مدیران غریبه و ناکارآمد قوی سپید را به احتضار انداخت تا تن رنجورش را به لیگ یک ببرد. آنجا که هرگز جایگاه این قوی زیبا نبود.

ملوان اما پس از چند بار آزمون و خطا سرانجام از غریبه‌ها خلاص شد و به دامان خودی‌ها افتاد. غریبه‌هایی که تصور می‌کردند دیگر روزگار خاموشی و مرگ قو فرا رسیده پس دست از تن رنجور این قوی پیر زیبا کشیدند تا ملوان به خودی‌ها برسد. همان‌هایی که در ملوان پا گرفته و برای خود در فوتبال ستاره‌ای شده بودند و چه کسی بهتر و دلسوزتر از آنها برای تیمار کردن این قوی بیمار. ملوان روی پای بچه‌های خودش دوباره بلند شد، بال گشود و پرواز کرد تا دوباره به جایگاه اصلی‌اش بازگردد. به لیگ برتر؛ آنجا که بی‌صبرانه در انتظار تماشای رخ این قوی زیبا ست.

گزارش یک

آرمن ساروخانیان

ملوان چگونه با زوج نوری و زارع متحول شد؟

رویکرد نوگرایانه برای بازگشت به لیگ برتر

این بار قهرمان لیگ یک نامی آشنا بود و ملوان توانست بعد از ۶ سال به لیگ برتر برگردد. تلاش ملوانی‌ها در سال‌های گذشته برای بازگشت به لیگ برتر بی‌نتیجه مانده بود و به نظر می‌رسید که نتوانند به این زودی رنگ لیگ برتر را ببینند، ولی این بار با تیم متفاوت و مقتدری وارد مسابقات شدند. ملوان لیگ یک را قدرتمندانه شروع کرد و از هفته دهم که به صدر جدول رسید، تنها چهار هفته این رتبه را از دست داد و فقط سه شکست داشت.

تحول ملوان از دو سال قبل شروع شد، وقتی زوج پژمان نوری - مازیار زارع به‌عنوان مدیر عامل و سرمربی پروژه تازه‌ای را کلید زدند. آنها باشگاه را در حالی تحویل گرفتند که بدهی سنگینی به پاشنکو داشت و پانزدهم شده بود. ملوان کارش را با تیم جوانی شروع کرد که در پایان فصل یازدهم شد، ولی باشگاه ناامید نشد و با تقویت همان مجموعه توانست تیمی مدعی بسازد که بدون مشکل زیادی به لیگ برتر صعود کرد. البته این نتایج به راحتی به دست نیامد و کادرفنی ملوان وسواس زیادی روی ارتقای کیفیت تیمش و آنالیز حریفان داشت و چنین نگاه نوگرایانه‌ای را به ندرت در تیم‌های لیگ یکی دیده بودیم.

تحول ملوان اما فقط در زمین چمن نبود. این باشگاه قدیمی و پرطرفدار متوجه شد که در بخش مدیریت هم نیاز به بازنگری دارد و باید تن به نیازهای فوتبال مدرن بدهد. ملوان که تیمی پرطرفدار است، از پتانسیل اسپانسرینگ استفاده کرد و بخشی از نیاز مالی‌اش را با جذب حامی مالی برطرف کرد. آنها سراغ حق رشد بازیکنی مثل صادق محرمی هم رفتند تا همه راه‌های درآمدزایی را طی کرده باشند. ملوان به زیرساخت‌ها هم توجه ویژه‌ای داشت و ورزشگاه سیروس قایقران پس از مدت‌ها صاحب چمن باکیفیتی شد که حتی اکثر تیم‌های لیگ برتری هم در اختیار ندارند. ملوان به رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی هم توجه ویژه‌ای داشت و با خلاقیتی که در این حوزه داشت، حتی توانست از باشگاه‌های لیگ برتری هم سبقت بگیرد.

دوران ۶ ساله حضور در لیگ یک هرچند برای هواداران ملوان تلخ بود، ولی باشگاه را وادار کرد که در سبک مدیریت و نگاه فنی‌اش تجدید نظر کند و رویکرد مدرنی در پیش بگیرد. تحولی که ملوان داشته این امیدواری را نزد هوادارانش به‌وجود می‌آورد که مثل فجر سپاسی آسانسور نشود و در لیگ برتر هم عملکرد شایسته‌ای داشته باشد.

ملوان با حفظ این انسجام مدیریتی و فنی می‌تواند در لیگی که پر از تیم‌های بحران‌زده است، موقعیت خوبی پیدا کند و بتدریج به همان حریف سرسخت برای مدعیان تبدیل شود. البته موفقیت در فوتبال ایران بدون بودجه میسر نیست و اگر حمایت کافی نشود و دوباره بی‌پولی سراغ این باشگاه قدیمی بیاید، تمام این برنامه‌ها به بن بست می‌رسد.

پنالتی

سام ستارزاده

تولد ققنوس از خاکستر

کشتی‌ای که با عشق اداره می‌شود

در ۶ سال گذشته، فوتبال دوستی نبود که دلش برای قوی سپید انزلی تنگ نشده باشد؛ برای نخستین قهرمان تاریخ جام حذفی، برای پرچمدار فوتبال گیلان در لیگ برتر، برای ملوانی که تا حدود سه سال قبل، تیمی رها شده در کورترین جای لیگ آزادگان بود که مالکینش یکی پس از دیگری قید تصاحب باشگاه را می‌زدند. یک فصل انزلی چی‌ها با حکم کسر ۶ امتیاز به‌علت بدهی‌های معوقه، رؤیای بازگشت را از سر پراندند و فصل بعد، با چنگ و دندان خود را در دسته یک حفظ کردند.

مانند ققنوس که از خاکستر خودش دوباره متولد می‌شود، قوی سپید انزلی نیز باید به دست افرادی از جنس خودش احیا می‌شد و نفسی تازه می‌گرفت. پژمان نوری و مازیار زارع، بهترین انتخاب برای مالکیت باشگاه بودند؛ پیشکسوتانی که مهر اصالت باشگاه تا ابد روی تنشان باقی خواهد ماند و حال، ملوانانی که کشتی فوتبال انزلی را با عشق اداره می‌کنند.

تحول ملوان از شهریورماه ۹۸، زمانی که دو ملوانی سابق ۷۰ درصد سهام باشگاه را خریداری کردند، به بازگشت باشکوه به لیگ برتر و فتح لیگ آزادگان خلاصه نمی‌گردد. ملوان حتی در فصل‌های پیشین، یکی از پیشگامان در استفاده حرفه‌ای از رسانه مجازی بود. پوسترها و کلیپ‌های رسمی منتشر شده توسط ملوانی‌ها، حتی الگویی برای اغلب باشگاه‌های لیگ برتری قرار گرفت.

زمین مسابقه ملوان، دیگر نه ورزشگاه تختی ملقب به باتلاق انزلی، بلکه ورزشگاه سیروس قایقران، ملقب به سن‌سیروس است؛ ورزشگاهی نوسازی‌شده با چمنی استاندارد و رختکن، سکوها و امکاناتی شکیل و در خور شأن یک باشگاه پرهوادار لیگ برتری.

به جرأت می‌توان گفت که با مالکیت دو عاشقی که سال‌ها خاک فوتبال کشور را خورده‌اند، ملوان در فصل آینده نه صرفاً یک تیم بازگشته به لیگ برتر یا یک تازه‌وارد به سطح نخست فوتبال ایران، بلکه امیدبخش‌ترین پرچمدار برای باشگاهداری حرفه‌ای در کشور است؛ تیمی که با ادامه این روند خود می‌تواند در زمینه‌های بسیاری الگوی سایر رقبای خود در فوتبال باشگاهی کشور باشد؛ قوی سپیدی که سپیدی‌اش در صفحه تاریک و پر از سیاهی فوتبال ایران به زیبایی می‌درخشد!

تک به تک

میعاد نیک

پرواز شکوه‌مندانه قوی سپید به آشیانه

تو در اوج غروری و حالا وقت فرودت نیست

سرزمین گیلان از دیرباز تاکنون پیوندی عمیق و ناگسستنی با فوتبال داشته؛ اتصالی دائمی و پرفرازونشیب با مستطیل سبزِ گلی، تیرک‌های عموماً زنگ‌زده و توپ‌هایی که با لگد گیله‌مردها به تورهایی که به چهارچوب آویزان هستند و نیستند، بوسه می‌زنند. گیلانی‌ها با فوتبال همگونی سنتی و جغرافیایی زیبایی دارند؛ از فوتبال‌های محلی به مناسبت‌های وقت و بی‌وقت تا «فوتچل» یا همان فوتبال درون گل و لای شالیزارهای برنج. از قلب همین ترادف‌ها و پیوستگی‌ها در بندری که بعدها قرار بود نامش به «انزلی» تغییر کند، تیمی علم شد که فوتبال شمال ایران را به قله رساند. تیمی متکی و ساخته شده بر اساس تفکرات آقای پدر، بهمن صالح‌نیا و مفتخر به پرورش ستاره فوتبال گیلان، غفور جهانی.

از سال ۱۳۴۸ که قوی سپید خزری شهر بندرانزلی را به‌عنوان آشیانه دائمی‌اش برگزید و یک تیم متولد شد تاکنون، سختی‌های زیادی بر مردم شمال، گیله‌مردها و گیله‌زن‌ها گذشته اما همیشه یک واژه برای سرمستی جمعی، شادی و شعف قومی و گاهی هم حسرت، آه و غصه در خیابان‌های این بندر وجود داشته؛ «ملوان». قوی سپیدی که بیش از ۶ سال را در تبعید اجباری به‌سر می‌برد و خودش را در جایی به غیر از آشیانه همیشگی‌اش می‌دید، بالاخره با اتکا به سرمایه‌های بومی و غیرتی گیلانی از تبار سردار بزرگ، میرزا کوچک‌خان جنگلی؛ مسیر فرار از کوره‌راه‌های گرگ‌ومیش‌گونه درخت‌زارها و بن‌بست‌های پی‌درپی تبعید را دریافت و به خانه‌اش برگشت، به لیگی که همیشه به آن تعلق داشت و سرش را بابت حضورهای متوالی‌اش در آن همیشه با تکبر و غرور منحصربه‌فرد و رشک‌برانگیزی بالا می‌گرفت.

از بهمن صالح‌نیا تا غفور جهانی، از محمد احمدزاده تا محمد مایلی‌کهن، از سیدجلال حسینی تا مهرداد اولادی و از مازیار زارع تا پژمان نوری؛ راه دورودرازی طی شده تا ملوان به این پتانسیل بالقوه مردمی که هست، رسیده. تنها چیزی که در تلخ‌ترین شب‌های اجتماعی ایران می‌توانست گیلک‌ها را به شادی و کارناوال‌های خیابانی وا دارد، همین ملوان بوده و هست. گیلک‌ها فوتبال را با دست‌های بینه‌بسته‌شان، با سیگارهای نیمه‌روشن گوشه لب‌هایشان، با استکان‌های کمرباریک چای‌شان و با نگاه‌های امیدوارانه‌شان می‌فهمند و ملوان را از لاهیجان تا رشت، از رودسر تا صومعه‌سرا، از لنگرود تا خمام و از رودبار تا انزلی عاشقانه می‌پرستند. قوی سپید، مغرور و متکبر خزری به فصل مهاجرت رسیده و باید سن سیروس عزیز و گرامی را میزبان لیگ برتری‌ها کند؛ پروازی که دست‌کم حالا حالاها وقت فرودش نیست.

خرده گزارش

ایرانی‌های مقیم امارات مجیدی را تنها نمی‌گذارند

بلیت‌های بازی الاتحاد را می‌خریم

هنگامی که فرهاد مجیدی در لیگ حرفه‌ای امارات بازی می‌کرد، تعداد قابل ملاحظه‌ای از هموطنانمان که ساکن این کشور و بویژه شهر دبی بودند، اغلب بازی‌های تیم‌های او بویژه الوصل را از نزدیک تماشا می‌کردند و این روند برای مدت طولانی ادامه داشت. حالا به نظر می‌رسد باز هم شرایط به روال گذشته بازگشته و ایرانی‌ها بویژه استقلالی‌های ساکن دبی برای کمک به فرهاد مجیدی پای کار خواهند آمد. آنها چند روزی است که در فضای مجازی حسابی برای سرمربی جدید الاتحاد کلبا گرد و خاک به راه انداخته‌اند و مدعی‌اند بزودی وارد عمل می‌شوند تا فرهاد احساس تنهایی نکند. آنها از همین حالا وعده خریدن بلیت دیدارهای الاتحاد بویژه مسابقاتی که این تیم در دبی برگزار می‌کند را داده‌اند و مدعیان با حضور در استادیوم از تیمی که هدایت آن را یک ایرانی بر عهده دارد قاطعانه حمایت خواهند کرد.

البته اگر وعده آنها جنبه عملی به خود بگیرد قطعاً مدیران باشگاه خودشان بلیت رایگان در اختیار فوتبالدوستان ایرانی می‌گذارند چون خریدن بلیت توسط مدیریت باشگاه و اهدای رایگان آنها به هواداران در میان شیوخ اماراتی و قطری امری کاملاً مرسوم تلقی می‌شود.

گزارش

واکنش رئیس کمیته المپیک به ادعاهای علی مرادی

هزینه خیلی از سفرهای وزنه‌برداری را ما دادیم

اظهارات عجیب علی مرادی رئیس فدراسیون وزنه‌برداری هنوز هم ترکش‌های خودش را دارد. پس از اینکه اواعلام کرد بودجه به اندازه کافی ندارد و خرج خیلی از سفرها بالای ۳ میلیارد تومان می‌شود، تماس با رئیس کمیته ملی المپیک خیلی از حقایق را آشکار کرد.

علی مرادی ادعا کرده که بودجه فدراسیون تحت امرش را به طور کامل نگرفته است و...

در کدام یک از دوره‌ها در هفته سوم فروردین ماه ۵۰ درصد از بودجه، آن هم بودجه‌ای که ۵۰ درصد افزایش داشته است به حساب فدراسیون‌ها واریز شده است؟ اگر اشتباه نکنم ۲ یا ۳ بار برای فدراسیون وزنه‌برداری بلیت‌های سفر را خریدیم. ما ۲ میلیارد به‌صورت نقد به مرادی پرداخت کردیم و ۳ میلیارد تومان هم برای آنها بلیت خریدیم. حرف‌هایی که ایشان زده‌اند راست نیست و این اصلاً مسیر خوبی نیست که دوست عزیز من در پیش گرفته است و باید آن را اصلاح کند.

پس چرا ایشان این حرف‌ها را مطرح کرده است؟

ببینید، هر کسی وظایفی دارد که باید به آن عمل کند. تقریباً ۵ سال است که بودجه‌ها را به بهترین شکل ممکن به فدراسیون‌ها داده‌ایم. وظیفه یک مدیر به دست آوردن بودجه است و ما این کار را بلد هستیم. حالا اینکه یک سری از فدراسیون‌ها با کسری بودجه روبه‌رو می‌شوند را باید از خودشان پرسید. سؤال من این است که آقای رئیس فدراسیون وزنه‌برداری! در کدام یک از سال‌ها بیش از ۵۰ درصد بودجه خودتان را تا این وقت از سال گرفته بودید؟

شما تا جایی که می‌دانیم هر کمکی که از دستتان برآمده نه فقط برای وزنه‌برداری که برای همه رشته‌ها انجام داده‌اید.

این عین بی‌انصافی است که اگر علی مرادی این حرف‌ها را به زبان آورده باشد. شما پول کم آورده‌اید؟ چرا اسپانسر نگرفتید؟ اتفاقاً یک چیزی را به شما بگویم؟ رؤسای فدراسیونی که با ما مخالفت می‌کنند، بیشتر می‌گیرند! آقای مرادی باعث مشکلات به وجود آمده شما که ما نیستیم. اگر باز هم برای سفرهای‌تان مشکل دارید به ما بگویید اما بی‌انصافی نکنید.

هدیه نسل جدید به فوتبال ایران؛ ناکامی

تیم امید یا تیم ناامیدی؟!

تیم امید با نتایجی عجیب، در مرحله گروهی قهرمانی امیدهای آسیا حذف شد. این بار با ازبکستان، ترکمنستان و قطر در گروه اول مسابقات همگروه شده بودیم و با توجه به قرعه خوبی که داشتیم و انرژی زیادی که از مصاحبه ارکان تیم امید به گوش می‌رسید، همچنین امیدواری‌هایی که مسئولان فدراسیون می‌دادند، این طور به نظر می‌رسید که کار صعود برای تیم ملی آسان است. حتی برخی بازیکنان از قهرمانی صحبت می‌کردند اما نتایج غیر عادی که تیم امید با مهدی مهدوی‌کیا در این دوره از رقابت‌ها ثبت کرد، باعث تعجب همگان شد.

تیم او در دیدار نخست مقابل قطر با تساوی یک - یک به رختکن بازگشت؛ آن هم در حالی که تیم ملی واقعاً خوش‌شانس بود زیرا مقابل ضعیف‌ترین تیم امید قطر، با حساب یک بر صفر عقب افتاد و با گل دقیقه ۹۰ به مسابقه برگشت. در لحظات پایانی بود که گل خورده، جبران شد و شرایط تغییر کرد. ایران مقابل ترکمنستان در دومین گام با حساب یک بر صفر جلو افتاد اما دو گل دریافت کرد تا با یک نتیجه غیرقابل هضم مواجه شویم. فوتبال ترکمنستان حتی قابل قیاس با فوتبال ایران نیست اما به لطف عملکرد ضعیف مهدوی‌کیا و تیم تحت هدایتش، شکست خوردیم و کارمان برای صعود سخت شد. تجربه این شکست، تلخ و ناباورانه بود.

تیم امید در سومین بازی هم ناکام ماند. ملی‌پوشان امید برابر تیم دوم ازبکستان تنها موفق به رقم زدن یک تساوی شدند. آنها برای دقایق نسبتاً زیادی از حریف خود عقب بودند تا بالاخره موفق شدیم گل تساوی را به ثمر برسانیم و از شکست فرار کنیم. این نتایج، هدیه نسل جدید به فوتبال ایران بود؛ یک ناکامی مطلق دیگر در پرونده تیمی که بازیکنانش برای رقبای آسیایی، کری قهرمانی می‌خواندند اما اتفاقی که رخ داد، یک ضایعه برای فوتبال مملکت بود.

البته در دوره قبلی، شرایط خیلی هم بهتر نبود. در سال ۲۰۲۰ که مسابقات در کشور تایلند برگزار می‌شد، تیم امید ایران در گروه سوم رقابت‌ها با تیم‌های کره‌جنوبی، ازبکستان و چین همگروه شده بود. در آن مسابقات، دوبرابر این دوره امتیاز گرفتیم ولی از صعود بازماندیم. کره‌جنوبی با ۹ امتیاز تیم اول بود و صعود کرد. ازبکستان با ۴ امتیاز اما با تفاضل گل بهتر در مکان دوم قرار گرفت و به دور بعدی رسید و ایران با چهار امتیاز نتوانست از گروه خود صعود کند. در آن رقابت‌ها هدایت تیم امید بر عهده امیرحسین پیروانی بود اما او نتوانست از فرصتی که در دست داشت، بهترین استفاده را ببرد.

در سال ۲۰۱۸، حتی در مرحله نهایی هم حضور نداشتیم؛ یک فاجعه دیگر از فوتبال ایران. فقط نشستیم و عملکرد باقی تیم‌ها را دیدیم. متأسفانه فوتبال پایه در ایران اصلاً جدی گرفته نمی‌شود و با وجود آن همه سرمایه و استعدادی که در اختیار داریم، نمی‌توانیم کارهای بزرگی انجام بدهیم. روندی که هرگز بهبود پیدا نکرد و با حضور افراد مختلف در سمت‌های متفاوت فدراسیون، تغییر زیادی حاصل نشد. این مسائل، یک رشته بزرگ از ناکامی‌هاست که باید مطالعه شود.

در سال ۲۰۱۶، با اینکه توانستیم به‌عنوان تیم دوم از گروه‌مان صعود کنیم ولی یک شکست تلخ در مرحله یک‌هشتم نهایی مقابل ژاپن کافی بود تا خیلی زود، به خانه بازگردیم. آن زمان، محمد خاکپور هدایت تیم امید را برعهده داشت و ایران با سوریه، چین و قطر همگروه بود. در قدم اول، سوریه را ۲ بر صفر بردیم و سپس به قطر باختیم. در آخرین بازی برابر چین، ۳ بر ۲ به برتری رسیدیم و سند صعودمان امضا شد اما چه سود که با شکست ۳ بر صفر مقابل ژاپن، از بازی‌ها خداحافظی کردیم. این گزارش، نگاهی کوتاه به وضعیت عجیب تیم امید در دوره‌های گذشته قهرمانی آسیا بود. البته در انتخابی المپیک هم وضعیت بهتری نداشتیم چون هیچ‌کس در فدراسیون فوتبال، نگاه حرفه‌ای به فوتبال پایه ندارد و غیر از لیگ و تیم ملی، اصلاً کسی به فکر استعدادیابی و پرورش استعدادها نیست. ریشه فوتبال مملکت در حال خشک شدن است و نیاز به یک تحول جدی احساس می‌شود هر چند می‌دانیم گفتن این حرف‌ها فقط برای سرگرمی است وگرنه از این فدراسیون، آبی گرم نمی‌شود!

آجورلو باید سراغ نفرات دیگری در لیست خودش برود

جواد نکونام - استقلال؛ منتفی شد!

در شرایطی که مدیران باشگاه استقلال امید زیادی داشتند تا مذاکرات با جواد نکونام منجر به امضای قرارداد شود، ظاهراً این اتفاق نیفتاده است. از روزی که فرهاد مجیدی از این تیم رفت، نام گزینه‌های مختلفی برای تصدی این سمت مطرح شد. از مربیان مطرح خارجی گرفته تا مربیان نامدار ایرانی و البته جواد نکونام؛ مربی‌ای که گزینه اصلی اعضای هیأت مدیره و البته شخص مصطفی آجورلو شد. نکونام در امارات بود و مدیران استقلال هم خودشان را به این کشور رساندند تا مذاکرات با این بازیکن سابق استقلال را نهایی کنند اما آنچه که تا آخرین ساعات دیروز در رسانه‌ها منتشر شده خبر از پیشنهاد منفی نکو به استقلال بوده است. آن هم در شرایطی که در ظاهر همه چیز خوب بود و همه منتظر بودند تا سایت رسمی باشگاه خبر از توافق نهایی بدهد! ظاهراً نکونام بعد از مشورت‌هایی که با بعضی نزدیکان خود داشته، تصمیم گرفته در فضای کنونی به پیشنهاد باشگاه استقلال جواب رد بدهد تا شاید در فرصت دیگری به این منصب برسد. سرمربی فولاد در فصلی که گذشت، همچنان در خارج از کشور به سر می‌برد و در نهایت جواب منفی خود را به مدیران باشگاه استقلال اعلام کرده است. با این شرایط حضور نکونام در استقلال برای لیگ بیست‌ودوم منتفی شد و حالا مدیران باشگاه باید به سراغ گزینه‌های بعدی بروند. انتخاب سرمربی جدید با توجه به نبود زمان زیاد برای آماده‌سازی و نقل و انتقالات به دغدغه اصلی آجورلو و همکارانش تبدیل شده و باید دید آنها چه تصمیمی را برای آینده تیم قهرمان فصل گذشته اتخاذ خواهند کرد؟ این در حالی است که در فضای مجازی هواداران فقط و فقط روی گزینه خارجی نظر دارند و بر این عقیده هستند که جانشین فرهاد مجیدی باید یک سرمربی خوب خارجی باشد.

خرده گزارش

«شهروند تبر»، علیه تیم ملی!

بیست و یکمین دوره لیگ برتر فوتبال، شاید عجیب‌ترین دوره این رقابت‌ها بوده که تاکنون برگزار شده است. این رقابت‌ها حواشی زیادی داشت که هم فدراسیون و هم سازمان لیگ فوتبال در ایجاد آن، پای ثابت بودند. با این حال شاید نیمه کاره تمام کردن لیگ برتر، مهم‌ترین حاشیه این رقابت‌ها بود که تعویق عجیب در شروع مسابقات، بی‌فلسفه بودن برگزاری بدون تماشاگر بازی‌ها و حتی حماسه آفرینی فدراسیون و سازمان لیگ در پرونده بازیکن گابنی را هم تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

لغو دو دیدار نساجی - تراکتور و صنعت نفت - هوادار منجر به نیمه تمام ماندن لیگ برتر شده است. سهیل مهدی، مسئول کمیته مسابقات سازمان لیگ فوتبال در توضیح دو بازی برگزار نشده لیگ برتر مانند همیشه سعی کرد که کمترین مسئولیت را قبول کند؛ انگار نه انگار که مسئولیت برگزاری لیگ برتر بر عهده او و کمیته متبوعش است. مهدی در صحبت‌هایش عنوان کرد که پرونده این دو دیدار را به کمیته انضباطی ارجاع داده، در نتیجه دیگر سازمان لیگ مسئولیتی در قبال تصمیم‌گیری راجع به بازی‌های برگزار نشده، ندارد.

سازمان لیگ در قبال دیدارهای نساجی - تراکتور و صنعت نفت - هوادار در حالی شانه خالی کرده که مسئولیت برگزاری لیگ برتر بر عهده این سازمان است. علاوه بر این، دو دیدار لغو شده در شرایط ویژه‌ای برگزار نشد؛ شرایطی که سازمان لیگ هیچ کمک و تلاشی برای برطرف کردن آن انجام نداد و به جای آن، گوشه‌ای به‌عنوان ناظر نشست تا آخر ماجرا، پرونده را بدون دردسر به کمیته انضباطی ارجاع بدهد.

لیگ نیمه تمام، دستاوردی بود که سازمان لیگ فوتبال در فصل ۱۴۰۱-۱۴۰۰ به دست آورد؛ دستاوردی که باید به‌عنوان یک زنگ خطر برای فصل آینده در نظر گرفت. جام جهانی ۲۰۲۲ قطر در نیم فصل لیگ بیست و دوم برگزار خواهد شد.

این روزها بازاریک بازی گروهی به‌نام «مافیا» در ایران داغ است؛ بازی‌ای که در آن دو گروه تحت عنوان «مافیا» و «شهروند» باید با هم رقابت کنند. در این بازی به شهروندی که اشتباه بازی کند و با رفتارش باعث باخت گروه شهروندها شود، اصطلاحاً «شهروند تبر» گفته می‌شود که یعنی با تبر به ریشه شهر می‌زند! با توجه به عملکرد سازمان لیگ در لیگ بیست و یکم، زیادی که از مصاحبه ارکان تیم امید به گوش می‌رسید، همچنین امیدواری‌هایی که مسئولان فدراسیون می‌دادند، این طور به نظر می‌رسید که کار صعود برای تیم ملی آسان است. حتی برخی بازیکنان از قهرمانی صحبت می‌کردند اما نتایج غیر عادی که تیم امید با مهدی مهدوی‌کیا در این دوره از رقابت‌ها ثبت کرد، باعث تعجب همگان شد.

تیم او در دیدار نخست مقابل قطر با تساوی یک - یک به رختکن بازگشت؛ آن هم در حالی که تیم ملی واقعاً خوش‌شانس بود زیرا مقابل ضعیف‌ترین تیم امید قطر، با حساب یک بر صفر عقب افتاد و با گل دقیقه ۹۰ به مسابقه برگشت. در لحظات پایانی بود که گل خورده، جبران شد و شرایط تغییر کرد. ایران مقابل ترکمنستان در دومین گام با حساب یک بر صفر جلو افتاد اما دو گل دریافت کرد تا با یک نتیجه غیرقابل هضم مواجه شویم. فوتبال ترکمنستان حتی قابل قیاس با فوتبال ایران نیست اما به لطف عملکرد ضعیف مهدوی‌کیا و تیم تحت هدایتش، شکست خوردیم و کارمان برای صعود سخت شد. تجربه این شکست، تلخ و ناباورانه بود.

تیم امید در سومین بازی هم ناکام ماند. ملی‌پوشان امید برابر تیم دوم ازبکستان تنها موفق به رقم زدن یک تساوی شدند. آنها برای دقایق نسبتاً زیادی از حریف خود عقب بودند تا بالاخره موفق شدیم گل تساوی را به ثمر برسانیم و از شکست فرار کنیم. این نتایج، هدیه نسل جدید به فوتبال ایران بود؛ یک ناکامی مطلق دیگر در پرونده تیمی که بازیکنانش برای رقبای آسیایی، کری قهرمانی می‌خواندند اما اتفاقی که رخ داد، یک ضایعه برای فوتبال مملکت بود.

البته در دوره قبلی، شرایط خیلی هم بهتر نبود. در سال ۲۰۲۰ که مسابقات در کشور تایلند برگزار می‌شد، تیم امید ایران در گروه سوم رقابت‌ها با تیم‌های کره‌جنوبی، ازبکستان و چین همگروه شده بود. در آن مسابقات، دوبرابر این دوره امتیاز گرفتیم ولی از صعود بازماندیم. کره‌جنوبی با ۹ امتیاز تیم اول بود و صعود کرد. ازبکستان با ۴ امتیاز اما با تفاضل گل بهتر در مکان دوم قرار گرفت و به دور بعدی رسید و ایران با چهار امتیاز نتوانست از گروه خود صعود کند. در آن رقابت‌ها هدایت تیم امید بر عهده امیرحسین پیروانی بود اما او نتوانست از فرصتی که در دست داشت، بهترین استفاده را ببرد.

در سال ۲۰۱۸، حتی در مرحله نهایی هم حضور نداشتیم؛ یک فاجعه دیگر از فوتبال ایران. فقط نشستیم و عملکرد باقی تیم‌ها را دیدیم. متأسفانه فوتبال پایه در ایران اصلاً جدی گرفته نمی‌شود و با وجود آن همه سرمایه و استعدادی که در اختیار داریم، نمی‌توانیم کارهای بزرگی انجام بدهیم. روندی که هرگز بهبود پیدا نکرد و با حضور افراد مختلف در سمت‌های متفاوت فدراسیون، تغییر زیادی حاصل نشد. این مسائل، یک رشته بزرگ از ناکامی‌هاست که باید مطالعه شود.

در سال ۲۰۱۶، با اینکه توانستیم به‌عنوان تیم دوم از گروه‌مان صعود کنیم ولی یک شکست تلخ در مرحله یک‌هشتم نهایی مقابل ژاپن کافی بود تا خیلی زود، به خانه بازگردیم. آن زمان، محمد خاکپور هدایت تیم امید را برعهده داشت و ایران با سوریه، چین و قطر همگروه بود. در قدم اول، سوریه را ۲ بر صفر بردیم و سپس به قطر باختیم. در آخرین بازی برابر چین، ۳ بر ۲ به برتری رسیدیم و سند صعودمان امضا شد اما چه سود که با شکست ۳ بر صفر مقابل ژاپن، از بازی‌ها خداحافظی کردیم. این گزارش، نگاهی کوتاه به وضعیت عجیب تیم امید در دوره‌های گذشته قهرمانی آسیا بود. البته در انتخابی المپیک هم وضعیت بهتری نداشتیم چون هیچ‌کس در فدراسیون فوتبال، نگاه حرفه‌ای به فوتبال پایه ندارد و غیر از لیگ و تیم ملی، اصلاً کسی به فکر استعدادیابی و پرورش استعدادها نیست. ریشه فوتبال مملکت در حال خشک شدن است و نیاز به یک تحول جدی احساس می‌شود هر چند می‌دانیم گفتن این حرف‌ها فقط برای سرگرمی است وگرنه از این فدراسیون، آبی گرم نمی‌شود!

طنزنیم

هومن جعفری

یوم‌الکله!

رسیدیم به روز جذاب لیگ برتر! سپاهان نوید کیا را از دست داد، ساکت هم رفتنی است! نکونام هم استقلال را بی‌خیال شد! این وسط آجورلو مانده و حوضش! مرد مؤمن! دو سه تا مربی دیگر هم کله شده‌اند، خودشان خبر ندارند! توصیه می‌کنم امروز را «یوم‌الکله» نامگذاری کنیم. به دوتا از مربیان لیگ برتر هم یک هشداری بدهیم. برادران عزیز شما کله شده‌اید، خودتان خبر ندارید. یکی‌تان را دستیارتان دور زده، یکی‌تان را هم سرپرست‌تان! حواس‌تان باشد!

***

خبر درگذشت ملادن فرانچیچ مربی قهرمان فولاد هم رسید. یادش بخیر فولاد را قهرمان کرد و رفت. وقتی رفت پشت سرش می‌گفتند: «این بابا کاره‌ای نبود! کارگر کارخانه شکلات‌سازی بود! ماتیم را قهرمان کردیم!»

گفتیم یادتان بیندازیم که خوشبختانه رسم خراب کردن مربی قهرمان در فوتبال ایران هنوز سر جایش هست و ما همچنان به سنت پدران پایبندیم!

***

با این نتایجی که تیم المپیک گرفت، الان مانده‌ایم از مهدوی‌کیا حمایت کنیم، انتقاد کنیم، چیزی بگوییم، چیزی نگوییم! مرد مؤمن رفتی از سه بازی دو امتیاز گرفتی! یکطوری هم مصاحبه می‌کنی که هرکس ندانند فکر کند از سه بازی دوازده امتیاز گرفتی! مرد مؤمن دست‌کم یک مقدار روی تکنیک مصاحبه بعد از باختت کار کن!

کاریکاتور

عمر ممانی

ستاره‌های فوتبال بعد از یک فصل پر استرس و طاقت‌فرسا آماده استراحت بودند که با یکی از طولانی‌ترین فیفادی‌های چندسال اخیر رو به رو شده‌اند و باید سه روز یکبار با پیراهن ملی کشورشان به میدان بروند.

سوژه روز

زمان نقل‌وانتقالات فعلا اعلام نمی‌شود

فریبرز محمودزاده همچنان به‌عنوان مسئول کمیته نقل و انتقالات سازمان لیگ فعالیت می‌کند. حالا که فصل بیست و یکم به اتمام رسیده، مهم‌ترین سؤال اینجاست که چه زمانی، پنجره نقل و انتقالات به‌صورت رسمی باز می‌شود تا باشگاه‌ها بتوانند خریدهای خود را رسمی کنند. محمودزاده در این مورد گفت: «زمان شروع دو لیگ باید به هم نزدیک باشد. با توجه به آغاز جام جهانی از ۳۰ آبان، نیم‌فصل اول را ۲۶ یا ۲۷ آبان به پایان می‌رسانیم و نیم‌فصل دوم، در زمان دیدارهای تیم ملی در این مسابقات برگزار نمی‌شود. جام جهانی یک کلاس آموزشی برای اهالی فوتبال است و می‌خواهیم تمرکز مردم کاملا روی این بازی‌ها باشد.» او همچنین گفت: «هنوز فصل ۱۴۰۱-۱۴۰۰ لیگ برتر به پایان نرسیده است و با توجه به بلاتکلیفی دو دیدار لیگ برتر (نساجی - تراکتور و صنعت نفت - هوادار)، نمی‌توانیم زمان نقل‌وانتقالات را اعلام کنیم. تا زمانی که تکلیف این دیدارها روشن نشده است، اجازه اعلام زمان نقل‌وانتقالات را نمی‌دهیم.» با این حساب، بازیکنان جدید بخصوص سه بازیکنی که به پرسپولیس رسیده‌اند، باید منتظر آینده بمانند.

عکس روز

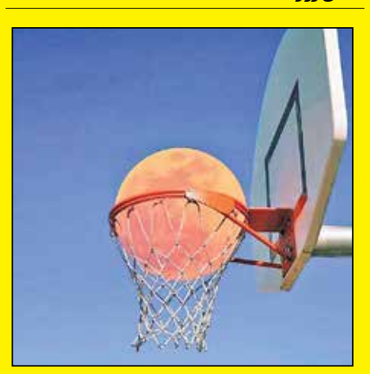

تصویر جالبی است. البته ساختگی است اما با زهم آدم را ساعت‌ها با خودش همراه می‌کند. کره ماه در سبد بسکتبال! چه چیزی بهتر از این؟